

مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی، بستر تولید ملی پایدار عدالت‌محور

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۹ تاریخ تأیید: ۹۳/۴/۱۵

احمدعلی یوسفی*

چکیده

مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی با مبانی انسان‌شناختی خاصی در عرض مدل سرمایه‌سالاری اقتصادی نظام سرمایه‌داری و دولت‌سالاری اقتصادی نظام سوسیالیسم است. نظام جمهوری اسلامی ایران با طراحی و اجرای مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی می‌تواند از مشکل‌های اقتصادی رهایی یافته، به تولید ملی عدالت‌محور دست پیدا کرده، تورم و رکود را مهار کند، نرخ بیکاری را کاهش دهد و با کمترین آسیب‌ها به مقابله توطئه‌های اقتصادی دشمنان برود.

در مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی همه مردم می‌توانند به معنای واقعی مثولی امور اقتصادی باشند و تمام گروه‌های فعال اقتصادی (صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده) به هدف‌های اقتصادی خود دست یابند. مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی باید به گونه‌ای فراگیر باشند تا بستر فعالیت اقتصادی متناسب با روحیه و انگیزه‌های اقتصادی هر فعال اقتصادی فراهم شود. تحقیق پیش‌رو به روش توصیفی - تحلیلی به دنبال اثبات این فرضیه است که آموزه‌های اسلامی ظرفیت لازم برای ارائه مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی جهت تأمین هدف‌های تمام گروه‌های فعال اقتصادی و نیز تولید ملی پایدار عدالت‌محور را دارند.

واژگان کلیدی: مردم‌سالاری اقتصادی، تولید ملی، عدالت اقتصادی، مؤلفه‌های عدالت اقتصادی.

طبقه‌بندی JEL: L11، D24، Z12، E23.

مقدمه

مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی در عرض مدل سرمایه‌سالاری اقتصادی نظام سرمایه‌داری و دولت‌سالاری اقتصادی نظام سوسیالیسم قرار دارد. هر یک از دو جریان سرمایه‌سالاری اقتصادی و دولت‌سالاری اقتصادی با مبانی خاصی، پیشینه مشخصی در اقتصاد دارند. نظام جمهوری اسلامی ایران متناسب با جریان مردم‌سالاری سیاسی و فرهنگی نتوانسته است مبانی مردم‌سالاری اقتصادی دینی را ارائه دهد و براساس آن، مدل‌های اقتصادی اجرایی را کشف و اجرا کند؛ در حالی که آموزه‌های اسلامی ظرفیت چنین امری را دارند. در این تحقیق مردم‌سالاری اقتصادی در چارچوب آموزه‌های اسلامی بررسی شده و به دنبال آن با ارائه مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی، نشان داده می‌شود که این جریان اقتصادی سرآغاز تولید ملی پایدار عدالت‌محور است؛ بنابراین نوشتار پیش‌رو به دنبال پاسخ به این پرسش است:

آیا می‌توان براساس آموزه‌های اقتصادی اسلام، مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی‌ای ارائه داد تا بستر فعالیت برای هر سه گروه فعالان اقتصادی (صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده) فراهم شود و کارکرد آن مدل‌ها در جهت تأمین تولید ملی پایدار عدالت‌محور بوده و هر سه گروه فعال اقتصادی نیز به هدف‌های خود نائل آیند؟

از تبیین موضوع تحقیق آشکار است که پاسخ به پرسش پیش‌گفته، رویکرد استکشافی دارد؛ بنابراین مقاله به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از روش‌های عقلایی، مجموع مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی، براساس آموزه‌های اسلامی، پی‌گیری می‌کند. این مدل‌ها عبارت هستند از:

۱. مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام؛
۲. مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط؛
۳. مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری ضعیف؛
۴. مدل بنگاه‌های اقتصادی سهامی فراگیر؛
۵. مدل بنگاه‌های اقتصادی فردی.

در ادامه پس از بیان پیشینه تحقیق با بیان جایگاه انسان و سرمایه در فرایند اقتصادی براساس آموزه‌های اسلامی به عنوان مبانی بینشی این مدل‌ها، بحث دنبال می‌شود. آنگاه هدف‌های این مدل‌ها، بُعدها و اثر هر یک از پنج مدل اقتصادی در تولید ملی پایدار و

تحقق عدالت اقتصادی بررسی و توضیح داده می‌شود؛ اما پیش از آن چون برخی واژه‌های این نوشتار و نیز رویکرد آن جدید است، لازم است مفهوم آنها بیان شود:

مردم‌سالاری اقتصادی دینی: به جریان اقتصادی‌ای گفته می‌شود که همه مردم براساس آموزه‌های اسلامی به معنای واقعی متولی امور اقتصادی باشند؛ یعنی بستر اقتصادی به‌گونه‌ای باشد تا همه فعالان اقتصادی بتوانند مالک منابع و محصول تولیدی بوده و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش جدی داشته باشند. نیز بهره‌مند از تمام حقوق اقتصادی خود باشند و به تکلیف‌های خود در عرصه اقتصادی عمل کنند؛ بنابراین برای تحقق آن، نظام اقتصادی حاکم باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا بستر تحقق چنین امری در عرصه اقتصادی برای همه مردم فراهم شود. در غیر این صورت جریان اقتصادی حاکم را نمی‌توان جریان مردم‌سالاری اقتصادی دینی نامید.

سرمایه‌سالاری اقتصادی: جریان اقتصادی‌ای است که صاحبان سرمایه به‌سبب قدرت سرمایه خود متولیان حقیقی امور اقتصادی هستند؛ یعنی صاحبان سرمایه، مالکیت منابع و محصول تولیدی و مدیریت فرایند اقتصادی را در اختیار می‌گیرند و تمام کوشش را انجام می‌دهند تا با توجه به شرایط اقتصادی، کمترین دستمزد را به نیروی کار پرداخت کنند.

تولید ملی پایدار: تولید ملی اگر ثبات بلندمدت داشته باشد و مورد تهدید جدی عواملی مانند رکود، تورم، بیکاری قرار نگیرد، تولید ملی پایدار گفته می‌شود.

پیشینه تحقیق

بعد از انقلاب صنعتی، اقتصاد از شکل سنتی خارج و واحدهای تولیدی با تولیدهای فراوانی روبه‌رو شدند. براساس تابع تولید $Q=F(L, K)$ نیروی کار (ماهر، نیمه ماهر و ساده) و سرمایه (نقدی و غیرنقدی) دو عامل تولید هستند. q شامل تمام کالاها و خدمات تولیدی است. آنگاه این پرسش مطرح شد که هر کدام از عوامل تولید - سرمایه و صاحب آن و نیروی کار - نسبت به این تولیدها چه سهمی دارند؟

نوع پاسخ به این پرسش در تعیین جایگاه سرمایه و صاحب آن و نیز نیروی کار بسیار اثرگذار است. نظام اقتصاد سرمایه‌داری براساس مبانی خود و نیز بر پایه اصول متخذ از آن (اصالت فرد، اصل مالکیت فردی مطلق، اصل آزادی مطلق اقتصادی، اصل رقابت اقتصادی

و اصل عدم مداخله دولت در روابط اقتصادی مردم)، بستر اقتصادی را برای سرمایه و صاحبان آن به گونه‌ای فراهم کرد که در مدت کوتاهی مالکیت منابع و محصول تولیدی و نیز مدیریت فرایند اقتصادی در اختیار سرمایه و صاحبان آن قرار گرفت. نیروی‌های کار به استخدام سرمایه و صاحبان آن درآمدند و از دستمزد حداقلی بهره‌مند شدند. به این صورت سرمایه‌سالاری نظام اقتصاد سرمایه‌داری شکل گرفت. این وضعیت مشکل‌های فراوانی پدید آورد (ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۶۹ / فروم، ۱۳۸۵، ص ۱۱۰ / پالمر، ۱۳۸۳، ص ۱۲). گرچه نظام سرمایه‌داری نسبت به شکل اولیه تغییرهایی کرده است؛ اما اساس و مبانی خود را همچنان حفظ کرده است و جریان سرمایه‌سالاری در قالب شکل‌های جدید و گاهی به صورت رقیق‌تر محفوظ مانده است. نظام اقتصادی کمونیسم بر پایه مبانی خود، مشکل اصلی را در نقش سرمایه در اقتصاد معرفی کرد و برای نفی سرمایه‌سالاری، مالکیت خصوصی را لغو کرد و دولت را نماینده مردم معرفی کرد و مالکیت و مدیریت تمام فرایند اقتصادی را در اختیار دولت قرار داد (تفضلی، ۱۳۷۵، ص ۱۵۹ / ژید و ریست، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۴۰)؛ اما در سوی دیگر، جریان مردم‌سالاری اقتصادی همچنان مورد توجه بوده است؛ چون اندیشه‌وران اجتماعی باور دارند که امکان ندارد انسان‌ها در عرصه سیاسی مردم‌سالاری و حکومت دموکراتیک داشته باشند؛ اما در عرصه اقتصادی با سرمایه‌سالاری روبه‌رو باشند؛ چون جریان سرمایه‌سالاری اقتصادی به شدت جریان مردم‌سالاری سیاسی را تحت شعاع خود قرار می‌دهد و جریان حاکمیت اجتماعی را به سمت نوع خاصی از دیکتاتوری سرمایه پیش می‌برد. راسل باور دارد که جهان به‌رغم تحصیل حکومت مردم بر مردم در عرصه سیاسی، هنوز به چنین حکومتی در عرصه صنعتی و اقتصادی دست نیافته است؛ در حالی که چنین نظامی بهترین راه برای افزایش کارایی و تقویت نیروی خلاقه در بخش اقتصادی است. به نظر وی نظام سرمایه‌داری که در اصل مبتنی بر تأسیس منافع گروه‌های خاص اجتماع است، بی‌تردید باعث بروز اختلاف‌های متعدد میان طبقه‌های کارگر و کارفرما می‌شود؛ چرا که سرمایه‌دار نمی‌تواند حداکثر منافع مادی خود را در ازای حداقل مزد، تضمین کند؛ در حالی که کارگر علاقه دارد تا حد امکان حداکثر مزد را در ازای کار خود دریافت کند؛ بنابراین نمی‌توان از نظام سرمایه‌داری، اجتماعی هماهنگ و عاری از کینه‌جویی و نارضایتی را انتظار داشت؛ چون جدایی روزافزون گروه‌های کارگر و سرمایه‌دار و اختلاف منافع آنان

عواقب نامطلوب دربردارد. وی در جست‌وجوی نظامی است تا مردم‌سالاری در عرصه اقتصادی بر اصول دموکراتیک حاکم شود و از بسیاری عواقب نامطلوب سرمایه‌سالاری کاسته شود (مدنی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶) کتاب‌ها و مقاله‌هایی که درباره مردم‌سالاری اقتصادی یا با عنوان اقتصاد مردم‌سالار نوشته شده اغلب منظورشان اقتصاد بخش خصوصی در برابر اقتصاد بخش دولتی است.

طوسی (۱۳۷۲) در مقاله «پیوندهای مردم‌سالاری و رشد اقتصادی» تأکید می‌کند که دخالت کمتر دولت در اقتصاد، مرجح است.

رشدی (۱۳۷۷) در کتاب **اقتصاد مردم‌سالار: بستر رشد جامعه مدنی** براساس این پیش‌فرض که رقابت و آزادی اقتصادی بستر مناسبی برای فعالیت‌های اقتصادی است به پیدایش و تکامل نظام اقتصاد آزاد، مقدمات و ضروریات آن اشاره می‌کند و علت شکاف پدید آمده بین انتظارات و عدم تحقق‌نیافتن بسیاری از پیش‌بینی‌های مربوط به مشارکت و دخالت مردم در امور اقتصادی را عدم استقرار اقتصاد آزاد در جامعه می‌داند.

رشدی (۱۳۸۱) در مقاله «تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم‌سالار» بیان می‌کند که اقتصاد مردم‌سالار به این معنا نیست که حکومت فعالیت اقتصادی نداشته باشد یا در اقتصاد دخالت نکند؛ بلکه حد دخالت و حوزه دخالت دولت را خود مردم تعیین می‌کنند.

نوشتار پیش‌رو به دنبال مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی براساس آموزه‌های اسلامی است تا با کشف و اجرای آنها همه فعالان اقتصادی به معنای واقعی متولیان امور اقتصاد باشند، تولید ملی پایدار شکل بگیرد و مؤلفه‌های عدالت اقتصادی به صورت پایدار محقق شود.

جایگاه انسان و سرمایه در فرایند اقتصادی

آموزه‌های اسلامی، سرمایه را در فرایند اقتصادی عقیم نمی‌داند تا هیچ‌گونه پاداشی به آن اختصاص پیدا نکند. نیز برای سرمایه و صاحب آن نیز چنان جایگاه و نقشی قائل نیست تا صاحبان سرمایه در فرایند اقتصادی تمام مالکیت منابع و محصول تولید را در اختیار داشته باشند و به سبب قدرت سرمایه، مدیریت تمام فرایند اقتصادی را در چنگ خود بگیرند و راه اقتصاد را به هر سویی که می‌خواهند بکشانند و نیروهای فعال حقیقی (نیروی کار ماهر، نیمه ماهر و ساده) از داشتن مالکیت محروم بوده و از داشتن نقش مؤثر در مدیریت اقتصادی

محروم باشند و فقط به دستمزد حداقلی بسنده کنند؛ بلکه براساس آموزه‌های اسلامی، سرمایه به تناسب نقشی که در فرایند اقتصادی دارد، پاداش دریافت می‌کند. اما برای تمام نیروهای فعال اقتصادی (نیروی کار و صاحب سرمایه) جایگاه ویژه‌ای فائل است که باید براساس آن، تمام نیروهای فعال اقتصادی در فرایند اقتصادی نقش مؤثری داشته باشند، پاداش مناسب دریافت کنند تا به این وسیله، مردم‌سالاری دینی اقتصادی شکل بگیرد و تولید ملی پایدار محقق شود و عدالت اقتصادی فراگیر شود. به برخی از این آموزه‌ها اشاره می‌شود:

۱. انسان اشرف تمام مخلوقات عالم است: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴)؛ «پس از آن (دمیدن روح پاک مجرد) خلقی دیگر انشاء کردیم، آفرین بر خداوند متعال ﷻ بهترین آفرینندگان».

۲. انسان جانشین خداوند متعال ﷻ در زمین است: «هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ» (انعام: ۱۶۵)؛ «وی خدایی است که شما انسان‌ها را جانشین خود در زمین قرار داد».

۳. حفظ کرامت انسانی مورد تأکید آموزه‌های قرآنی است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)؛ «حقیقتاً فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم».

۴. انسان مسجود فرشتگان است: «إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا» (بقره: ۳۴)؛ «زمانی که به فرشتگان گفتیم که بر آدم سجده کنید، سجده کردند».

۵. تمام نعمت‌های الهی برای انسان آفریده شده است: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره: ۲۹)؛ «وی خدایی است که همه آنچه را (از نعمت‌ها) در زمین وجود دارد، برای شما (انسان‌ها) آفرید».

۶. خداوند متعال ﷻ در آیه دیگری بهره‌مندی همه مردم از نعمت‌های الهی را بر خود لازم کرده است: «مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا» (هود: ۶)؛ «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر آنکه روزی وی بر عهده خداوند متعال ﷻ است».

با توجه به مبانی اسلامی درباره جایگاه انسان می‌توان مطالب ذیل را نتیجه گرفت:

۱. در هیچ آیه و روایتی بیان نشده است که این جایگاه به برخی انسان‌ها اختصاص دارد و دیگران از آن بی‌بهره هستند.

۲. هیچ تخصیص و استثنایی وجود ندارد که آن جایگاه رفیع برای انسان در عرصه اقتصادی نیست و فقط مربوط به عرصه مثلاً اخلاقی و عرفانی است.

۳. هیچ تخصیص و استثنایی وجود ندارد که دلالت کند برخی از انسان‌ها حق بهره‌مندی از نعمت‌های الهی را دارند و دیگران چنین حقی ندارند؛ البته این حق بهره‌مندی بالقوه است که با کار و کوشش بالفعل می‌شود.

این نوع نگاه به انسان اقتضا دارد مدل‌های اقتصادی به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شوند تا سرمایه در خدمت همه انسان قرار گیرد. باید زمینه فعالیت اقتصادی به‌گونه‌ای فراهم شود تا تمام فعالان اقتصادی، مالک منابع و محصول تولیدی باشند و در مدیریت فرایند اقتصادی نقش مؤثری ایفا کنند. همه انسان‌هایی که خواهان فعالیت اقتصادی در چارچوب مالکیت خصوصی فردی هستند، آزادی اقتصادی داشته باشند تا متناسب با هدف‌ها و انگیزه‌های شخصی خود فعالیت اقتصادی را دنبال کنند.

هدف‌های مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی

هدف مستقیم مدل مردم‌سالاری اقتصادی دینی، حاکمیت واقعی مردم‌سالاری اقتصادی دینی است. هدف غیرمستقیم این مدل، هدف نظام اقتصادی اسلام - تأمین رفاه عمومی از راه تولید ملی پایدار عدالت‌محور - است (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۰ - ۳۳۹).

عدالت اقتصادی و مؤلفه‌های آن

از آنجایی که درباره مفهوم عدالت اقتصادی و مؤلفه‌های آن، بحث‌ها و طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها مطرح است و در این نوشتار امکان بررسی همه آنها نیست، فقط به بیان تعریف مقبول و مؤلفه‌های تحقق آن اشاره می‌شود.

عدالت عبارت است از: «اعطاء كل ذي حق حقه؛ حق هر صاحب حقی را دادن» در عرصه اقتصادی، عدالت اقتصادی زمانی محقق می‌شود که هر یک از افراد جامعه به حق خود از ثروت و درآمدهای جامعه دست یابند. مؤلفه‌های این عدالت عبارت هستند از: درآمد و بهره‌مندی همه مردم در حد کفاف و تساوی در بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی.

بحث از مؤلفه عدالت بُعدهای گسترده‌ای دارد که نویسنده و دیگر محققان در جای دیگر به آن پرداخته‌اند (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۲۷۲ / میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹)؛ بنابراین اگر همه افراد جامعه درآمد و بهره‌مندی در حد کفاف داشته باشند و زمینه بهره‌مندی مساوی از فرصت‌های اقتصادی برای آنان فراهم باشد، عدالت اقتصادی محقق می‌شود. مدل‌های اقتصادی باید بستر تحقق عدالت اقتصادی و مؤلفه‌های آن را فراهم کنند.

بُعدها و آثار مدل‌های مردم‌سالاری اقتصادی دینی

چنان‌که اشاره شد می‌توان پنج مدل اقتصادی ارائه داد که با طراحی و اجرایی کردن این مدل‌ها جریان مردم‌سالاری اقتصادی دینی در عرصه اقتصادی محقق شود. لازم است به چند مطالب درباره این مدل‌ها توجه شود:

الف) مجموع این مدل‌ها براساس تفاوت روحیه‌ها و هدف‌های فعالان اقتصادی، نوع مالکیت بنگاه اقتصادی و اصل رفتاری اقتصادی و برخی ویژگی‌های دیگر که در ادامه بیان می‌شوند، قابل طراحی و اجرا هستند.

ب) هر یک از این مدل‌ها براساس آموزه‌های اسلامی و در چارچوب فقه اسلامی باید تحلیل و بررسی شوند؛ اما این امر در یک مقاله ممکن نیست و در جای خود مورد بررسی قرار گرفته است و در نوشتار پیش‌رو به عنوان پیش‌فرض تحقیق تلقی می‌شود.

ج) برای اینکه اقتصاد ملی به هدف‌های خود نایل آید، عدالت اقتصادی محقق شود، نابسامانی‌های اقتصادی از بین بروند و جریان مردم‌سالاری اقتصادی دینی حاکم شود، باید زمینه اجرایی تمام این مدل‌ها در اقتصاد ملی فراهم شود.

د) هر مدلی دارای ظرفیت بیشتر جهت تحقق مردم‌سالاری اقتصادی دینی را داشته باشد، در رفع مشکل‌های تولید ملی و تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی، مؤثرتر باشد، نسبت به دیگر مدل‌ها در اولویت خواهد بود و مسئولان نظام اقتصادی برای تحقق تولید ملی پایدار و مؤلفه‌های عدالت اقتصادی باید این اولویت را در دستور کار خود قرار دهند.

در ادامه با بیان بُعدهای هر یک از این مدل‌ها و آثار اقتصادی آنها، به نمونه‌های ضعیف واقع شده در تاریخ تحول‌های اقتصادی نیز اشاره می‌شود.

۱. بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام

در این مدل، هر سه گروه فعال اقتصادی (صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان) در کنار هم قرار می‌گیرند، هدف‌های آنها تأمین می‌شود و در تصمیم‌گیری امور مهم اقتصادی سهیم هستند؛ چون در این مدل، هر یک از هم مصرف‌کننده، تولیدکننده و صاحب سرمایه هستند. به جهت همین ویژگی به نام بنگاه اقتصادی مردم‌سالاری تام نام‌گذاری شده است. در این مدل، هدف فعالان اقتصادی، رفع نیازهای خود و دیگر فعالان اقتصادی است. این امر به آن معنا نیست که اعضای فعال این مدل حق ندارند به قصد

بهره‌مندی بیشتر از امکانات مادی به عضویت آن درآیند؛ بلکه مدل اقتصادی مردم‌سالاری تام به‌گونه‌ای طراحی و اجرا می‌شود که رفع نیازهای مادی تمام اعضا هدف اولی و اصلی مدل است و ساختار درونی مدل این امر را محقق می‌کند. این مدل با طرح سه مرحله‌ای اجرایی می‌شود:

مرحله اول: در این مرحله، بنگاه‌های اقتصادی توزیع و مصرف محلی تأسیس می‌شوند. همه افراد جامعه با قبول مسئولیت و تکلیف‌هایی که متوجه آنان است و به انجام آن قادر باشند، حق بهره‌مندی از آزادی عضویت در این قبیل بنگاه‌ها را دارند. آنان با خرید یا پذیرش تعهد حداقل یک سهم می‌توانند به عضویت این قبیل بنگاه‌های اقتصادی درآیند. با توسعه و تمرکز بنگاه‌های توزیع و مصرف، شعاع عمل وسیعی برای آنها در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی فراهم می‌شود. با توسعه بنگاه‌های اقتصادی توزیع و مصرف که تحت نظر اتحادیه‌های محلی، منطقه‌ای و ملی فعالیت می‌کنند، حجم فروش کالاها گسترده می‌شود. بنگاه‌های توزیع و مصرف، کالاها را به قیمت بازار آزاد به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند. آنها منافع قابل توجهی از راه جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک و مازاد فروش بین قیمت خرید و فروش به قیمت بازار آزاد، به دست می‌آورند. آنان با گسترش فعالیت اقتصادی در این مرحله، دو هدف عمده را دنبال می‌کنند:

۱. به دست آوردن سرمایه کافی جهت راه‌اندازی بنگاه‌های تولیدی مرحله بعدی؛
۲. به دست آوردن بازار لازم و مطمئن برای تولیدها.

اتحادیه‌هایی که در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی در طول هم تشکیل می‌شوند، انواع هدایت‌ها و حمایت‌ها مانند کمک‌های مالی، بازاریابی، فنی و ... را برای بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام ارائه می‌دهند و در کنار آنها، بر فرایند فعالیت‌های اقتصادی سه مرحله پیش‌گفته نظارت می‌کنند تا آنها از چارچوب رعایت اصول خود خارج نشوند.

مرحله دوم: در این مرحله با استفاده از سرمایه‌های جمع‌آوری شده از راه فروش سهام به اعضا و ذخیره‌های حاصل از فعالیت‌های اقتصادی مرحله اول، منابع قرض‌الحسنه و کمک‌های دولتی، کارخانه‌های تولیدی تأسیس می‌شوند. با تأسیس این قبیل واحدهای تولیدی، کالاهای مصرفی اعضا به دست خودشان یا تحت نظارت آنها تولید و عرضه می‌شوند. به عبارت دیگر، مصرف‌کنندگان، کالاهای مورد نیاز خودشان را تولید می‌کنند یا تحت

نظارتشان تولید می‌شوند. واحدهای تولیدی، کالاهای ضروری اعضا را در اولویت تولید قرار می‌دهند. بنگاه‌های تولیدی برای میزان تولید خود از پیش میزان تقاضا را به‌طور تقریبی اطلاع دارند؛ چون اغلب مشتریان آنها، اعضای همین بنگاه‌هایی هستند که در مرحله اول به عضویت درآمدند و به تعداد فراوانی افزایش یافته‌اند؛ البته در صورتی که مشکلی برای بنگاه‌ها پدید نیاید، کالاهای تولیدی را نیز می‌توانند به غیر اعضا بفروشند. به این ترتیب، بین تقاضا و تولید تعادل تقریبی پدید می‌آید. به موازات پذیرش اعضای جدید و توسعه بنگاه نیز اعضای جدیدی جذب و مشغول به کار می‌شوند؛ یعنی از یک‌سو اشتغال را افزایش می‌دهند و از سوی دیگر، میزان اشتغال را با میزان تقاضا و تولید هماهنگ می‌کنند؛ بنابراین باعث اشتغال و رفع بیکاری در اقتصاد می‌شوند.

مرحله سوم: در این مرحله بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام باید راساً مواد اولیه کالاها را خودشان تولید کنند. با خرید زمین، تهیه مواد اولیه از راه معادن و ... تأمین مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های تولیدی را فراهم می‌کنند. به این ترتیب با فرض اینکه همهٔ تمام مرحله‌های تولید، تبدیل، بسته‌بندی، توزیع و مصرف و ... به وسیله خود اعضا انجام می‌شود، تاخت و تاز بنگاه‌های سرمایه‌داری خصوصی کنترل می‌شود. با تأسیس این قبیل بنگاه‌های مردم‌سالاری تام به نزاع بین کارگران و کارفرمایان و مصرف‌کنندگان پایان داده می‌شود. این نزاع در نظام‌های اقتصادی که مبنای آن بر بخش خصوصی سرمایه‌داری قرار داده‌اند، امری پایدار و خسارت‌بار است. در این قبیل نظام‌های اقتصادی، کارفرما با تأسیس بنگاه‌های اقتصادی به دنبال سود حداکثری خود است. لازمه تحصیل سود اکثری کاهش هزینه‌هاست. یکی از اقدام مهم هزینه‌ها دستمزد نیروی کار است؛ بنابراین تمام کوشش خود را انجام می‌دهد تا دستمزد حداقلی به نیروی کار پرداخت کند. از سوی دیگر نیروی کار با عرضه کار خود انتظار دستمزد حداکثری از کارفرما دارد. لازمه دریافت دستمزد حداکثری کاهش سود کارفرما است؛ بنابراین بین منافع کارفرما و نیروی کار تضاد جدی و پایداری وجود دارد. این تضاد منافع و نزاع، مشکل‌های فراوانی در عرصه اقتصادی و اجتماعی پدید می‌آورد. از سوی دیگر، بین کارفرما و عرضه‌کنندگان کالا از یک‌سو و بین مصرف‌کنندگان از سوی دیگر نیز تضاد و نزاع تمام‌نشدنی وجود دارد. عرضه‌کننده کالا با عرضه کالا درصد سود حداکثری است. عرضه‌کننده برای اینکه به سود حداکثری برسد از تمام شرایط بازار

استفاده و سوءاستفاده می‌کند حتی با احتکار و تبلیغات خلاف واقع و ... تا کالایش را به حداکثر قیمت بفروشد. در طرف دیگر مصرف‌کننده با مقدار ثابت درآمد ماهانه برای تأمین حداکثر نیازهای مادی وارد بازار می‌شود؛ اما مرتب با افزایش قیمت کالاها روبه‌رو می‌شود. این نزاع بین سه گروه فعالان اقتصادی، آثار زیان‌باری به دنبال دارد. این نزاع برای جامعه اسلامی که مبنای وحدت را در تمام عرصه‌ها اصل مسلم قرار داده است، زیان‌بارتر می‌باشد؛ اما این نزاع در بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام منتفی می‌شود. چون هر عضو این بنگاه‌ها صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده هستند.

با توافق اعضا و تصویب هیئت مدیره، سود متناسبی به سرمایه آنها تعلق می‌گیرد. نیروی‌های کار نیز از دستمزد مناسبی بهره‌مند می‌شوند. اعضای غیرشاغل که فقط به خرید کالاهای تولیدی جهت مصرف اقدام می‌کنند، افزون بر دریافت سود سهام متناسب، کالاهای با کیفیتی می‌خرند. در پایان دوره مالی نیز مبلغی تحت عنوان مازاد برگشتی دریافت می‌کنند؛ البته از این مزیت تمام اعضای شاغل نیز بهره‌مند هستند؛ بنابراین هدف‌های هر سه گروه: صاحبان سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کنندگان در این قبیل بنگاه‌ها تأمین می‌شود و نزاع بین آنان برطرف می‌شود.

با توجه به مطالبی که در پایان مرحله دوم و سوم بیان شد، با اجرایی کردن هر سه مرحله، رفاه عمومی برای تمام اعضا؛ بلکه برای عموم مردم به سمت بهبودی پیش می‌رود. چون این بنگاه‌ها دائم در صدد توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود و پدید آمدن زمینه اشتغال برای همه مردم هستند. همچنین، واسطه بین مصرف‌کننده و تولیدکننده از بین می‌رود و بخش مهمی از درآمد مصرف‌کنندگان که به واسطه‌ها می‌رسید، برای مصرف‌کننده صرفه‌جویی شده و قدرت خرید آنان افزایش می‌یابد. افزون بر آن، سودی که از طرف مصرف‌کنندگان پیش از این به سرمایه‌داران می‌رسید، به نفع مصرف‌کنندگان، صرف انجام امور تولیدی یا سبب افزایش قدرت خرید آنان می‌شود.

ویژگی‌ها و پیامدها

این مدل ویژگی‌ها و پیامدهای ذیل را دارد:

۱. **مالکیت:** از نوع خصوصی مشاعی فراگیر تام است؛ یعنی هر سه گروه فعال اقتصادی (صاحب سرمایه، نیروی کار و مصرف‌کننده) به مقداری واجد مالکیت هستند که به اعتبار آن، حق تصمیم‌گیری در امور اقتصادی بنگاه را پیدا می‌کند.
۲. **مردم‌سالاری:** با توجه به مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر و اصل مدیریت همگانی، هر سه گروه فعال اقتصادی در این مدل به معنای واقعی متولی امور اقتصادی هستند.
۳. **رفع نزاع بین سه گروه فعال اقتصادی:** هدف‌های هر سه گروه فعال اقتصادی در این مدل تأمین می‌شود. صاحب سرمایه سود متناسبی دریافت می‌کند، نیروی کار به دستمزد مطلوبی می‌رسد و مصرف‌کننده کالاهای مطلوب خود را به‌دست می‌آورد.
۴. **اصل رفتاری تعاون در درون مدل و رقابت با بیرون مدل، حاکم است؛** در نتیجه، این مدل از مزیت‌های اصل رفتاری رقابت بهره‌مند است و با پی‌گیری اصل رفتاری تعاون در درون مدل، دچار آفت‌های رقابت نمی‌شود.
۵. **تعادل مصرف و تولید:** در این مدل میزان تقاضای کالا در مرحله اول مشخص می‌شود. اعضای بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام با خرید خود در مرحله اول مشخص می‌کنند که چه میزان تقاضا و برای چه نوع کالاهایی دارند؛ بنابراین هیئت مدیره جهت تولید کالاها برای مرحله دوم و سوم برنامه‌ریزی می‌کند و بین مصرف و تولید کم‌وبیش تعادل برقرار می‌شود. پدیدساختن تعادل بین مصرف و تولید، عامل مهم کنترل تورم و رکود است.
۶. **کاهش بیکاری و پدیدساختن اشتغال:** تمام افراد جامعه با قبول مسئولیت می‌توانند عضو این گونه بنگاه‌ها شوند و از مزیت‌های آن بهره‌مند شوند؛ بنابراین دائم اعضای آن در حال افزایش هستند. افزایش اعضا به معنای افزایش تقاضاست. با افزایش تقاضا، برنامه‌ریزی برای افزایش تولید صورت می‌گیرد. با افزایش تولید، اشتغال افزایش می‌یابد؛ چون میزان افزایش تقاضای کالا اغلب معلوم است، افزایش نیروی کار متناسب با این افزایش انجام می‌گیرد؛ بنابراین، افزایش نیروی کار جدید متناسب با تقاضا و تولید انجام می‌شود؛ البته دقیق نمی‌توان میزان آن را مشخص کرد؛ اما این برآورد به‌گونه‌ای خواهد بود که ظرفیت خالی تولید هم از نظر نیروی کار و نیز به لحاظ سرمایه در این مدل وجود نداشته باشد.
۷. **رشد تولید ملی پایدار:** در این مدل، اشتغال و تولید دائم در حال افزایش است؛ بنابراین، تولید ملی پایدار شکل می‌گیرد.

۸. **تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی:** چون هر یک از اعضا سه نوع درآمد دارند که عبارت هستند از: دستمزد مناسب با تخصص و میزان کار، سود سهام، سود خالص اقتصادی به میزان نقششان در تولید. تمام اعضا با این سه نوع دریافتی در حد کفاف درآمد کسب خواهند کرد. همه افراد جامعه نیز با پذیرش مسئولیت خود می‌توانند، عضو شوند. پس از عضویت با توجه به اصول اجرایی که در این مدل دنبال می‌شود، بستر بهره‌مندی مساوی از فرصت‌های اقتصادی برای همه اعضا فراهم می‌شود. با توجه به تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی، شکاف درآمدی کاهش پیدا می‌کند و زمینه‌های پدیدساختن فقر، کنترل می‌شود. تحقق این مدل نیازمند فرایند مدیریتی دقیق و نیز اصولی تحت عنوان اصول اجرایی است. این اصول پس از بیان مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط ارائه می‌شوند.

نگاه مقام معظم رهبری (تعاونی‌های فراگیر ملی)

مقام معظم رهبری همیشه دغدغه گسترش عدالت اقتصادی و رفع فقر از جامعه و تقویت اقتصادی دهک‌های پایین جامعه را داشته‌اند. وی در سیاست‌های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی بر مدلی از اقتصاد پافشاری دارند که به نظر می‌رسد یکی از مصداق‌های کامل مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام باشد. معظم‌له پافشاری دارند تعاونی‌های فراگیر ملی جهت تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی تأسیس شود. وی در بند ۱۱ سیاست‌های کلی بخش تعاون بیان کرد که: «تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی» (۰۲/۰۳/۱۳۸۴).

در بند ۲ - ۲ نیز در مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری بنگاه‌های اقتصادی بخش دولتی برای اختصاص این درآمدها برای تأسیس و حمایت این گونه بنگاه‌ها بیان کرد که: «اختصاص ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی» (همان).

به نظر می‌رسد مقصود مقام معظم رهبری از تعاونی فراگیر ملی آن مدلی از فعالیت اقتصادی است که فعالیت آن به لحاظ جغرافیایی، در سطح ملی صورت گیرد و به لحاظ افراد، همه آحاد مردم در سطح ملی بتوانند از این فعالیت اقتصادی بهره‌مند شوند؛ یعنی همه مردم در سطح ملی به معنای واقعی مالکیت داشته باشند؛ به عبارت دیگر مالکیت آن

خصوصی مشاعی فراگیر تام باشد. با توجه به آنچه بیان شد، به نظر می‌رسد بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام با ویژگی‌ها و آثار بیان‌شده همان تعاونی فراگیر ملی یا یکی از مصداق‌های کامل آن باشد؛ بنابراین با طراحی و اجرای این‌گونه تعاونی‌ها یکی از رهنمودهای مقام معظم رهبری محقق خواهد شد.

تأمین منابع مالی در شرایط کنونی

بهترین منبع تأمین مالی این مدل درآمدهای حاصل از هدفمندی یارانه‌هاست. با توجه به ساختار مدل، تمام منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها می‌تواند در فرایند تولید ملی قرار گیرد و نیز همه مردم می‌توانند از منافع آن بهره‌مند شوند. قریب ۴۰ هزار میلیارد تومان در سال درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها به مردم داده می‌شود. این درآمد و نیز درآمدهای حاصل از هدفمندی مرحله دوم به این امر اختصاص پیدا کند. به این وسیله تمام درآمدهای حاصل از هدفمندی یارانه‌ها به نفع همه مردم وارد چرخه تولید می‌شوند و مردم‌سالاری اقتصادی دینی به معنای واقعی شکل می‌گیرد، اشتغال و تولید ملی پایدار افزایش می‌یابد، عدالت اقتصادی محقق می‌شود و زمینه‌های فقر از بین می‌رود. در مدیریت منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها، اتحادیه‌های طولی مردم‌سالاری محلی، منطقه‌ای و ملی نقش اساسی دارند که جزئیات آن در جای خود باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

نمونه تاریخی کامیاب

نمونه ضعیف مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام در تاریخ تحول‌های اقتصادی وجود داشت. شارل ژید در کتاب *تعاونی‌های مصرف* شبیه این مدل را معرفی می‌کند. این مدل پس از تأسیس، کامیابی‌های گسترده و فراوانی کسب کرد. کامیابی آن به‌گونه‌ای بود که در سطح ملی میلیون‌ها نفر جذب این بنگاه‌ها شده و بر اثر فعالیت‌های کامیاب، سرمایه‌های فراوانی کسب کردند. سرمایه‌های این بنگاه‌ها چنان افزایش پیدا کرد که افزون بر تأسیس کارخانه‌های تولیدی کالاها و مواد اولیه به خرید بنگاه‌های تولیدی بخش خصوصی و الحاق آنها به این‌گونه بنگاه‌ها اقدام کردند (ژید، ۱۳۴۸، ص ۱۰۰).

۲. بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط

در این‌گونه بنگاه‌ها، تمام نیروی کار به‌صورت مشاع مالک بنگاه هستند و در مدیریت نقش مؤثری دارند. سازگاری کامل بین هدف‌های کارفرما و نیروی کار پدید می‌آید؛ چون نیروی کار همان کارفرما و صاحب سرمایه است. همان‌طور که در مدل سابق گذشت نزاع موجود در بخش خصوصی سرمایه‌محور بین نیروی کار و کارفرما در این مدل وجود ندارد. چون در این بنگاه‌ها هر نیروی کاری، خودش کارفرما نیز است؛ بنابراین نزاع بین نیروی کار و کارفرما از بین می‌رود و همه در کنار هم کوشش حداکثری برای تولید بیشتر انجام می‌دهند؛ اما نزاع بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در این مدل از بین نمی‌رود؛ چون تولیدکنندگان به هدف حداکثرسازی سود مادی در کنار هم قرار می‌گیرند و مصرف‌کنندگان در طرف دیگر؛ بنابراین می‌کوشند از تمام شرایط بازار استفاده کنند تا کالاهای تولیدی خود را به حداکثر قیمت بفروشند. تقاضاکنندگان نیز با درآمد خود کالاها را می‌خرند و انتظار دارند حداکثر نیازهای خود را با درآمدشان انجام دهند. وقتی مشاهده می‌کنند قیمت کالاها افزایش پیدا می‌کند، تولیدکنندگان را مورد عتاب قرار می‌دهند و نزاع بین این دو گروه شکل می‌گیرد که متأسفانه این نزاع، مشکل‌های فراوانی را در جامعه اسلامی پدید می‌آورد. در این مدل، نزاع فقط بین دو گروه از فعالان اقتصادی از بین می‌رود. به همین جهت، بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط نامیده شد.

برای تأسیس این‌گونه بنگاه‌های اقتصادی هر یک از اعضا باید حداقل سرمایه را به‌عنوان حق عضویت پرداخت کند. تأمین سرمایه اولیه حتی با دریافت وام از تکلیف‌های مسلم هر فردی است که خواهان عضویت در این‌گونه بنگاه‌های اقتصادی است.

ویژگی‌ها و پیامدها

۱. مالکیت: خصوصی مشاعی فراگیر متوسط است؛ یعنی فقط دو گروه از فعالان اقتصادی (نیروی کار و کارفرما) مالکیت دارند.

۲. مردم‌سالاری در عرصه تولید: با توجه به اصل مدیریت همگانی، همه فعالان اقتصادی در این مدل به معنای واقعی متولی امور اقتصادی هستند.

۳. **وحدت اسلامی در عرصه تولید:** هر دو گروه فعال اقتصادی (صاحب سرمایه و نیروی کار) برادرانه در کنار هم می‌کوشند. هدف‌های هر دو گروه فعال اقتصادی در این مدل تأمین می‌شود؛ چون هر عضو نیروی کار، صاحب سرمایه نیز است؛ پس افزون بر دریافت دستمزد مطلوب، سود متناسبی دریافت می‌کند. افزون بر آنها از سود خالص اقتصادی به میزانی که در تولید آن نقش دارد، بهره‌مند می‌شود.

۴. **اصل رفتاری تعاون در درون مدل و رقابت با بیرون مدل:** این مدل هم از مزیت‌های اصل رفتاری رقابت بهره‌مند است و هم با اصل رفتاری تعاون در درون مدل از آفت‌های رقابت به دور خواهد بود.

۵. **مؤلفه‌های عدالت اقتصادی:** هر یک از اعضا سه نوع درآمد دارند: دستمزد مناسب با تخصص و میزان کار، سود سهام متناسب و سود خالص اقتصادی به میزانی که در تولید آن نقش دارد؛ بنابراین تمام اعضا با این سه نوع دریافتی در حد کفاف درآمد کسب خواهند کرد. با توجه به اصول اجرایی که بیان خواهد شد، معلوم می‌شود که بستر بهره‌مندی مساوی از فرصت‌های اقتصادی برای همه اعضا فراهم می‌شود. با توجه به تحقق مؤلفه‌های عدالت اقتصادی، شکاف درآمدی کاهش پیدا می‌کند، توزیع مناسب و عادلانه ثروت و درآمد در سطح جامعه اتفاق می‌افتد و زمینه‌های فقر از بین می‌رود. روشن است که اثر مدل اقتصادی مردم‌سالاری تام در تحقق مؤلفه‌های پایدار عدالت اقتصادی بیشتر از مدل اقتصادی مردم‌سالاری متوسط است.

۶. **ثبات بنگاه:** از آنجا که همه کارگران، مالکان بنگاه اقتصادی هستند، در دوران رونق از مزیت‌های آن بهره‌مند می‌شوند. در دوران رکود با کار بیشتر و کاستن از بهره‌مندی، پایداری این‌گونه بنگاه‌های تولیدی را تقویت و خسارت بحران را به حداقل می‌رسانند. در ادامه اصول اجرایی دو مدل پیشگفته به اختصار اشاره می‌شود و برای آشنایی بیشتر به منابع مورد اشاره رجوع شود (یوسفی، ۱۳۹۱).

۱. اصل عضویت آزاد مسئولانه

مبتهی بر مبانی انسان‌شناسی اسلامی، همه انسان‌ها حق دارند تا در فعالیت‌های اقتصادی آزادانه بکوشند؛ بنابراین اگر مقتضی و ظرفیت همکاری برای افراد وجود داشته باشد، آنان

در صورت تمایل، مختار هستند در این نوع فعالیت، همکاری و عضویت یابند. این همکاری و عضویت در صورتی که با نافرمانی خداوند متعال ﷻ و گناه همراه نباشد، مصداق برّ و تقوا است که خداوند متعال ﷻ به آن فرمان داده است: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى»؛ (مائده: ۲) «در امور خیر و تقوی، تعاون و همکاری کنید».

اگر افرادی برای رفع نیازهای زندگی خود، نیازمند به عضویت و همکاری در مدل اقتصادی مردم‌سالاری باشند، براساس حقوق برادری در اسلام، حق عضویت و همکاری پیدا می‌کنند؛ چون آزادی، حق همه افراد است؛ البته اعضای بنگاه‌ها به پذیرش عضویت وی ملزم نیستند. اگر فرد متقاضی واجد صلاحیت همکاری بوده و مقتضی و ظرفیت پذیرش نیز وجود داشته باشد، اعضای بنگاه در صورت عدم پذیرش وی، کاری خلاف اخلاق و حقوق برادری انجام داده‌اند. از سوی دیگر، نباید فردی را به پذیرش عضویت مجبور کرد یا شرایطی را پیش آورد تا افرادی به عضویت و همکاری در این گونه بنگاه‌های اقتصادی مجبور شوند؛ چرا که این نوع رفتار مانع بهره‌مندی انسان‌ها از حق آزادی و اختیارشان می‌شود.

بنابراین، آزادی عضویت، حق انسان است؛ اما در برابر بهره‌مندی از این حق با تکلیف‌هایی روبه‌رو است. امام علی علیه السلام درباره تلازم حق و تکلیف می‌فرماید: «حقی برای کسی نیست، مگر آنکه بر عهده‌اش هم حقی است» (شریف رضی، ۱۳۷۸، خ ۲۱۶، ص ۲۴۸). این مسئولیت‌ها اعم از مسئولیت‌های حقوقی و اخلاقی است (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۹) که اعضای بنگاه اقتصادی هنگام عضویت متعهد به انجام آنها می‌شوند.

۲. اصل مدیریت همگانی

در بنگاه‌های مردم‌سالاری، حاکمیت انسان‌ها معیار و ملاک اصلی در فعالیت‌های اقتصادی است؛ در نتیجه، تمام اعضا با صرف‌نظر از میزان سهمشان حق رأی مساوی در فرایند مدیریت اقتصادی دارند (طالب، ۱۳۷۶، ص ۱۵۷ / بوگاردوس، ۱۳۵۲، ص ۳۱ / بکن، ۱۳۵۶، ص ۵۱). راسل باور دارد که جهان به‌رغم تحصیل حکومت مردم بر مردم در عرصه سیاسی، هنوز به چنین حکومتی در عرصه صنعتی و اقتصادی دست نیافته است. به نظر وی نظام سرمایه‌داری که در اصل مبتنی بر تأسیس منافع گروه‌های خاص اجتماع است، بی‌تردید باعث بروز اختلاف‌های متعدد میان طبقه‌های کارگر و کارفرما می‌شود؛ چرا که سرمایه‌دار نمی‌تواند حداکثر کارایی

را در ازای حداقل مزد، تضمین کند؛ در حالی که کارگر علاوه دارد حداکثر مزد را در ازای کار خود دریافت کند؛ بنابراین نمی‌توان از نظام سرمایه‌داری، اجتماعی هماهنگ و عاری از کینه‌جویی و ناراضی‌پنداری را انتظار داشت؛ چون جدایی روزافزون گروه‌های کارگر و سرمایه‌دار و اختلاف منافع آنان عواقب نامطلوب در بردارد. وی باور دارد فقط چنین بنگاه‌هایی مبتنی بر اصول دموکراتیک می‌توانند بسیاری از عواقب نامطلوب پیش‌گفته را کاهش دهند (مدنی، ۱۳۷۲، ص ۱۳۶).

۳. اصل سود متناسب برای سرمایه

در دو مدل پیش‌گفته سودی که به سرمایه اعضا تعلق می‌گیرد با توافق اعضا تعیین می‌شود. ادله تعلق سود محدود و متناسب به سرمایه عبارت هستند از:

۱. اگر مازاد درآمدها، سهم سرمایه و مالک آن باشد، سرمایه در برابر نیروی‌های فعال، ترفیع شأن می‌یابد و این وضعیت خلاف فلسفه تأسیس بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری است؛ چون سرمایه‌داران با قدرت سرمایه، سرنوشت تولید و تولیدکنندگان را تحت اختیار می‌گیرند، با قدرت پول تقاضای کاذب و کمبود مصنوعی پدید می‌آورند. تولیدهای فراوان که باید در خدمت انسان و برای رفاه وی باشد، وسیله‌ای جهت پدید آمدن مشکل‌های بیشتر برای انسان می‌شود. آنان با احتکار مواد اولیه، جلوگیری از تولید و فروش کالاهای مشابهی که به وسیله بنگاه‌های کوچک‌تر عرضه می‌شوند، ارزان‌فروشی به میزان معین و در زمان محدود و سرانجام ورشکست کردن تولیدکنندگان کوچک برای از میان بردن دیگر بنگاه‌های تولیدی، انسان‌ها را به خدمت سرمایه درمی‌آورند (لاسر، ۱۳۵۰، ص ۷۷).

با توجه به آنچه گذشت، اصل محدودیت سود سرمایه حرکت به سمت ارزش دادن به نیروی کار است تا به سوی حاکمیت انسان در برابر پول و سرمایه گام برداشته شود.

۲. با محدودیت سود سرمایه، الگوی دموکراسی اقتصادی محقق می‌شود. انسان‌ها در عرصه سیاسی با مشارکت در رأی و بهره‌مندی از قدرت و توزیع آن از دموکراسی سیاسی برخوردار می‌شوند. همین‌طور باید با ترفیع جایگاه نیروی کار در برابر سرمایه و تبدیل سرمایه به خدمتگزار واقعی برای همه انسان‌ها، به دموکراسی واقعی دست یافت. به قول شارل ژید یکی از اصول تحقق دموکراسی اقتصادی، سود محدود به سرمایه است (مدنی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۷). در حقیقت با محدودیت سود به سرمایه و توزیع مازاد بر آن، بین

نیروی‌های فعال اقتصادی به جای سرمایه‌سالاری در روابط اقتصادی، مردم‌سالاری اقتصادی تقویت می‌شود و حاکمیت همه نیروی‌های فعال در روابط اقتصادی محقق می‌شود.

۴. اصل مازاد برگشتی

در بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام و متوسط بر اثر فعالیت‌های اقتصادی اعضا، درآمدی حاصل می‌شود. وقتی هزینه‌ها کسر شوند، ذخیره‌های لازم انجام گیرد و سود متناسبی به سرمایه تعلق گیرد، ممکن است سود ویژه‌ای باقی بماند؛ این سود بین اعضا به میزانی که در تولید آن نقش دارند، توزیع می‌شود؛ بنابراین به آن؛ مازاد برگشتی اطلاق می‌شود. در سه مدل دیگر از بنگاه‌های اقتصادی که در ادامه بررسی می‌شوند، این نوع سود به سرمایه و صاحبان آن تعلق می‌گیرد. پیش از این بیان شد که تعلق سود خالص به سرمایه و صاحبان آن پایه‌های جریان سرمایه‌سالاری را تقویت می‌کند.

۵. اصل آموزش و اطلاع‌رسانی دائمی به اعضا

برای فعالیت‌های دسته‌جمعی که به دنبال هدف‌های مشخصی هستند و هر یک از افراد آن، وظیفه‌هایی را در جهت هدف‌ها بر عهده دارند، بدون آموزش و اطلاع‌رسانی کافی وصول به هدف‌ها امکان‌پذیر نیست. یکی از وظیفه‌های بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام و متوسط، پدیدساختن تغییرهای مناسب در رفتارهای اعضا به منظور رفع نیازهای زندگی از راه همکاری و تفاهم دسته‌جمعی است. این تغییرها فقط از راه آموزش امکان‌پذیر است. تجربه نشان داده است که یکی از مهم‌ترین عامل کامیابی این بنگاه‌ها توجه کافی به مسئله آموزش بوده است. اطلاع اعضا از هدف‌ها، اصول، حقوق و تکلیف‌های خود عامل مهمی در کامیابی این بنگاه‌ها هستند (بوگاردوس، ۱۳۵۲، ص ۱۰۸ - ۱۰۹). آموزش اعضا باعث می‌شود تا آنان به اصول و ارزش‌ها و بُعدهای گوناگون فعالیت اقتصادی اطلاع و آگاهی پیدا کنند، انواع حقوق و وظیفه‌های خود را بشناسند، تخصص خود را متناسب با پیشرفت‌های علمی افزایش دهند و روش‌های مدیریتی به خدمت‌گرفتن سرمایه را در شرایط گوناگون اقتصادی فرا گیرند. این نوع آموزش باعث می‌شود تا اقتصاد دانش‌بنیان شکل گیرد.

تأمین منابع مالی در وضعیت فعلی

با توجه به ویژگی‌ها و پیامدهای مثبت اقتصادی بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط، شایسته است منابع حاصل از هدفمندی یارانه‌ها برای کمک به این‌گونه بنگاه‌های تولیدی اختصاص پیدا کند؛ البته مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام با توجه به آثار مثبت آنها نسبت به این مدل در اولویت است.

تجربه تاریخی شبیه مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری متوسط

نمونه ضعیف آنچه بیان شد هم‌اکنون براساس دین مسیحیت کاتولیکی در باسک اسپانیا وجود دارد و به‌رغم بحران اقتصادی جهانی، توسعه و پیشرفت بی‌نظیری داشته است؛ البته اگر براساس آموزه‌های اسلامی این مدل‌ها طراحی و اجرا شوند، کامیابی‌ها گسترده‌تر خواهد بود. در ادامه گزارش مختصری از آن ارائه می‌شود:

بنگاه‌های کارگر - مالکان موندراگون

بنگاه‌های اقتصادی کارگر - مالکان موندراگون در منطقه باسک اسپانیا قرار دارد. این اتحادیه توانسته است ارزش‌های دینی - مسیحی خود را در عین حضور نیرومند در بازار جهانی حفظ کند و تمام ساختار سازمانی خود را بر اندیشه اجتماعی کاتولیکی بنا نهد. آریزمنندی کشیش بنیان‌گذار آن در کلاس‌هایش ایده‌های عدالت اجتماعی و دموکراسی را نیز با محتوای فنی درس‌هایش در هم می‌آمیخت و به وسیله پنج نفر مهندس از فارغ‌التحصیلان کلاس‌هایش در سال ۱۹۵۶ آن را تأسیس کرد. آنان فقط به دنبال کامیابی در عرصه کسب‌وکار نبودند؛ بلکه کامیابی اجتماعی را نیز طلب می‌کردند (Corcoran & Wilson, 2010). بنگاه‌های کارگر - مالکان ده اصل را که هسته مرکزی چشم‌انداز و مأموریت خود می‌داند، به این صورت فهرست کرده است: ورود آزاد (عدم تبعیض)، سازمان دموکراتیک، حق حاکمیت نیروی کار، ماهیت فرعی سرمایه، مدیریت مشارکتی، انسجام در پرداخت حقوق، همکاری میان‌سازمانی، تحول اجتماعی، جامعیت و آموزش.

موندراگون تحت تملک کارگران و مدیریت آنهاست و با توزیع فرایند تصمیم‌گیری در سراسر سطوح سازمانی، خود را به نمونه بی‌نظیری از توسعه و پیشرفت در دوره ۵۰ ساله تبدیل کرده و بزرگ‌ترین گروه کسب‌وکار در منطقه باسک و هفتمین شرکت بزرگ در

اسپانیا از نظر فروش و تعداد کارگران است. در سال ۲۰۰۳ موندراگون یکی از ۱۰ مکان برتر برای کار در اروپا معرفی شد. به‌طور کلی موندراگون کم‌وبیش از هر جهت، عملکردی بهتر از بنگاه‌های خصوصی اسپانیا داشته است (همان).

مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۹ در مجله **YES** منتشر شده بود، زندگی در موندراگون را چنین توصیف می‌کند:

در شهر موندراگون نه خانه‌های اعیانی روی تپه‌ها دیده می‌شود و نه فقر در خیابان‌ها. ثروت ندیدیم؛ اما همه افراد جایی راحت برای زندگی، غذایی سالم برای خوردن و آسایش زندگی‌های جدید را داشتند. چیزی که همین قدر توجه ما را به خود جلب می‌کرد، حس صمیمانه و شادی‌بخش یگانگی‌شان بود. آدم‌هایی که ما دیدیم، خوش‌مشرب، خوش‌صحبت و اهل اعتماد بودند. موندراگون نشان می‌دهد که تعهد به خیر عمومی، مانعی در برابر کامیابی تجاری نیست؛ برعکس، تعهد به نوآوری و آموزش در همه سطوح می‌تواند بهترین‌ها را برای جامعه به همراه آورد. این کیفیت زندگی در بیرون از محل کار هم ادامه دارد و مزیت‌ها را برای آن‌هایی که راه تعاون را برگزیده‌اند، دوچندان می‌کند (Kelly, & Massena, 2009).

موندراگون در آغاز در سال ۱۹۵۶ بیست و پنج کارگر داشت. امروزه ۲۵۶ بنگاه زیر چتر این شرکت مختلط قرار دارند. در سال ۲۰۰۹ موندراگون نزدیک به ۹۳ هزار کارگر و فروشی معادل ۳۳ میلیارد یورو داشت. این مقادیر، ۲۵ درصد کل فروش و ۱۵ درصد کل کارگران در بنگاه‌های کارگر - مالکان اسپانیا است (همان).

موندراگون چهار بخش اصلی در حوزه کسب‌وکار دارد: الف) امور مالی؛ ب) صنعت؛ ج) خرده‌فروشی؛ د) دانش. بانک موندراگون، موسوم به کاخا لابورال سال ۲۰۰۲ میلادی، ۳۲۲ شعبه داشت، ۸/۵ میلیارد یورو دارایی کسب کرده و سود عملیاتی‌اش ۱۲۵ میلیون یورو بود. در سال ۲۰۰۹ این بانک به عنوان بانکی که بهترین خدمات را در بین مؤسسه‌های مالی اسپانیا برای مشتریان فراهم می‌کند، برگزیده شد (همان).

بخش دانش موندراگون شامل مراکز فناوری این اتحادیه است که در سال ۲۰۰۸ مخارجی معادل ۵۱ میلیون یورو داشت و ۷۴۸ کارگر در آن کار می‌کردند. در همین سال دانشگاه موندراگون ۳۷۰۷ دانشجو داشت. در ضمن موندراگون چندین مرکز تحصیلاتی و آموزشی برای کارگران خود دارد (همان).

کامیابی موندراگون در بحران ۲۰۰۸ به بعد

در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ با وجود رکود اقتصادی، موندراگون به علت حضور برجسته خود در چند بازار، سودآور بود و توانست شوک حاصل از رکود را تحمل کند. درآمد این اتحادیه در این سال نسبت به سال پیش از آن ۶ درصد رشد داشت. در این دوره، تمرکز موندراگون بر منافع کارگران در برنامه‌های جابه‌جایی اعضا در درون اتحادیه به نمایش درآمد و به بیکاری بسیار کمتری در مقایسه با دیگر بنگاه‌ها انجامید. تصمیم‌گیری درباره امکان اخراج کارگران از راه جلسه‌هایی بین مدیران و کارگر - مالکان انجام می‌شد. براساس تصمیمی که از راه این شیوه مشارکتی اتخاذ شد، مقرر شد که ۲۰ درصد کارگران که به‌طور تصادفی انتخاب می‌شوند، اتحادیه را برای یک سال ترک کنند و در این مدت هم‌چنان ۸۰ درصد دستمزد خود را دریافت کنند و در صورت تمایل دوباره آموزش ببینند. قرار این بود که بعد از یک سال اگر شرکت هم‌چنان از سقوط مالی آسیب ببیند، این کارگران به مشاغل خود بازگردند و یک گروه دیگر به‌طور تصادفی انتخاب شوند (<http://participedia.net/en/cases/mondrag-n-co-operative-corporation>).

در سال ۲۰۰۹ بانک کارگران موندراگون سودی معادل ۵۶/۵ میلیون یورو داشت و به همین علت با وجود سرمایه‌گذاری در لمن‌برادرز اثر فراوانی از سقوط مالی نگرفت (<http://participedia.net/en/cases/mondrag-n-co-operative-corporation>). ایناکی لگاردا، مدیر تجاری موندراگون اسمبلی در بحران ۲۰۰۸ - ۲۰۱۰ می‌گوید: «امروز ما خوشبختانه برای همه کار داریم. در حقیقت داریم افرادی را از دیگر شرکت‌های عضو گروه [موندراگون] استخدام می‌کنیم» (<http://euskalkazeta.com/ek/?p=13473>).

در سال ۲۰۱۲ بخش صنعت موندراگون، سال را با فروشی بین‌المللی به میزان ۴ میلیارد دلار به پایان رساند که در تاریخ شرکت بی‌سابقه بود و ارقام فروش بیش از بحران را پشت سر گذاشت (http://en.wikipedia.org/wiki/Mondragon_Corporation). در ماه آگوست این سال در مقایسه با نرخ بیکاری ۲۵ درصدی اسپانیا، نرخ بیکاری در باسک، به مقدار قابل‌ملاحظه‌ای کمتر و معادل ۱۵ درصد بود. این نرخ در استانی که موندراگون در آن واقع شده، باز هم کمتر بود. در سال ۲۰۱۳ موندراگون به اقتصاد باسک کمک کرد تا از رکود در امان باشد. شواهد نشان می‌دهد

که باسک در مقایسه با دیگر مناطق اسپانیا شاهد رکود ملایم‌تری بود و این تا اندازه‌ای به وجود موندراگون بازمی‌گشت (<http://euskalkazeta.com/ek/?p=13473>).

۳. مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری ضعیف

در این مدل، مالکیت اصلی بنگاه‌های اقتصادی برای یک یا چند نفر است. به همین جهت، مدیریت فرایند اقتصادی تماماً با مالکان اصلی است؛ اما تمام نیروهای کار، مالکیت حداقلی از بنگاه اقتصادی دارند. این مالکیت حداقلی هیچ‌گونه حقی جهت تصمیم‌گیری در امور اقتصادی برای نیروهای کار پدید نمی‌آورد. هدف مالکان اصلی در این مدل، حداکثر کردن سود مادی خودشان است؛ بنابراین می‌کوشد تا دستمزد حداقلی به نیروی کار پرداخت کنند. از سوی دیگر، نیروهای کار به دنبال دستمزد حداکثری هستند؛ بنابراین اصل نزاع بین این دو گروه فعال اقتصادی وجود دارد؛ اما از آنجایی که کارگران احساس می‌کنند که بنگاه اقتصادی متعلق به آنان نیز است، میزان نزاع بین نیروی کار و کارفرما به شدت کاهش پیدا کرده و کارگران با علاقه بیشتری کار می‌کنند و بنگاه اقتصادی از آسیب‌های شدید نزاع بین نیروی کار و کارفرما در امان خواهد ماند و فرایند مدیریتی، آسان‌تر صورت می‌گیرد. در این مدل، نیروی کار افزون بر دستمزد از سود سهام حداقلی نیز بهره‌مند است.

ویژگی‌ها و پیامدها

۱. مالکیت در بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری ضعیف از نوع مالکیت خصوصی مشاعی فراگیر ضعیف است؛ یعنی هر دو گروه فعال اقتصادی (کارگر و کارفرما) مالک بنگاه اقتصادی هستند؛ اما فقط مالکان اصلی حق مدیریت درباره فرایند اقتصادی را دارند.
۲. نزاع بین کارفرما و نیروی کار کاهش یافته و آسیب‌های آن به حداقل می‌رسد.
۳. اصل رفتاری حاکم، رقابت اقتصادی است.
۴. با توسعه مالکیت‌ها، نیروی کار افزون بر دستمزد از سود سهام ناشی از مالکیت حداقلی بهره‌مند است؛ در نتیجه، کمک به توزیع ثروت و دارایی مناسب در جامعه می‌شود؛ اما دامنه این توزیع ثروت و درآمد نسبت به دو مدل پیشین ضعیف‌تر است.
۵. افزایش و پایداری تولید در این مدل اتفاق می‌افتد؛ چون نیروهای کار با مالکیت حداقلی‌ای که دارند، احساس تعلق بین آنان و بنگاه اقتصادی پدید می‌آید و این امر باعث می‌شود تا کارگران کوشش بیشتری داشته باشند و نیز در حفظ و نگهداری بنگاه اقتصادی

کوشا باشند و تا حد امکان عوامل آسیب‌زا را به حداقل برسانند. با گسترش این‌گونه بنگاه‌های اقتصادی، کمک به افزایش و پایداری تولید در سطح ملی خواهد شد؛ البته پایداری تولید ملی در این مدل نسبت به دو مدل پیشین ضعیف‌تر است؛ اما از جهت مدیریت و اجرایی، این مدل نسبت به دو مدل پیشین آسان‌تر است؛ چون فقط یک یا چند نفر مالک اصلی در مدیریت فرایند اقتصادی تصمیم می‌گیرند.

۴. مدل بنگاه‌های اقتصادی سهامی فراگیر

۱. مالکیت در این‌گونه بنگاه‌های اقتصادی از نوع مالکیت خصوصی مشاعی غیر فراگیر است؛ یعنی مالکیت اصلی منابع و محصول تولیدی برای چند سهام‌دار است. آنان برای تأمین منابع لازم جهت سرمایه‌گذاری بیشتر، بخشی از سهام خود را از راه بازار بورس به دیگران وامی‌گذارد. گارگران در این‌گونه واحدهای تولیدی ممکن است هیچ‌گونه سهمی از مالکیت نداشته باشند و هیچ نقشی در مدیریت فرایند اقتصادی ندارند.

۲. هدف از تأسیس این‌گونه بنگاه‌های اقتصادی، فقط حداکثر کردن سود مادی صاحبان سرمایه و مالکان آنهاست.

۳. اصل رفتاری حاکم، رقابت اقتصادی است.

۴. نزاع بین صاحبان سهام اصلی و بین نیروی کار و مصرف‌کننده حاکم است.

۵. این مدل نسبت به مدل‌های پیشین در سطح ملی باعث تمرکز ثروت و درآمد می‌شود؛ البته، نسبت به بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت فردی، توزیع ثروت و درآمد در این مدل مناسب‌تر است.

۵. مدل بنگاه‌های اقتصادی با مالکیت خصوصی فردی

۱. مالکیت منابع و محصول تولیدی فقط برای یک فرد است. برخی افراد در اصل روحیه مشارکت و همکاری با دیگران را ندارند. این‌گونه افراد فعالیت‌های اقتصادی خود را به قصد حداکثر کردن سود مادی شخصی به صورت انفرادی دنبال می‌کنند.

۲. اصل رفتاری حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی، اصل رقابت است.

۳. نزاع بین کارفرما و بین نیروی کار و مصرف‌کننده حاکم است.

۴. این مدل باعث تمرکز ثروت و درآمد می‌شود و توزیع ثروت و درآمد در این مدل، نسبت به مدل‌های پیشین نامناسب‌تر است.

لازم است درباره سه نوع مدل آخری توضیحی ارائه شود. مالکیت مشاعی به‌ویژه از نوع تام و متوسط هرچند مزیت‌هایی نسبت به فرایند مردم‌سالاری اقتصادی و تحقق هدف‌های آن دارد؛ اما از جهت‌های دیگر ممکن است سه مدل دیگر ویژگی‌های خاصی داشته باشند. یکی از این ویژگی‌ها، آزادی عمل صاحبان سرمایه است. صاحب سرمایه در هر نوع فعالیت اقتصادی و به هر کیفیتی خواسته باشد، می‌تواند سرمایه خود را به‌کار گیرد. از آنجایی که تمام منافع اقتصادی حاصل به وی می‌رسد انگیزه کوشش وی بیشتر می‌شود و بهره‌مندی وی نیز به تناسب کوشش شخص افزایش می‌یابد. انگیزه بهره‌مندی بیشتر باعث می‌شود تا بستر فعالیت‌های اقتصادی خود را توسعه دهد که این امر موجب باعث اشتغال و تولید می‌شود؛ بنابراین برای افرادی که روحیه همکاری و مشارکتشان ضعیف یا خیلی کم است سه مدل آخری مزیت بیشتری دارند.

جمع‌بندی و پیشنهادها

۱. با توجه به مدل‌های اقتصادی بیان شده، معلوم می‌شود که مجموع مدل‌های اقتصادی اگر در اقتصاد دنبال شوند، بستر فعالیت اقتصادی برای تمام فعالان اقتصادی با هر انگیزه اقتصادی فراهم می‌شود؛ بنابراین وضعیت اقتصادی ایران باید به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شود تا زمینه تأسیس و اجرای تمام مدل‌های اقتصادی فراهم آید تا مردم‌سالاری اقتصادی دینی واقعی در اقتصاد ایران شکل بگیرد.

۲. شرایط کنونی اقتصاد ایران با توجه به وجود زمینه‌های هدف‌مندی یارانه‌ها به‌گونه‌ای است که تمام یارانه‌ها را می‌توان در چند مرحله زمانی کوتاه، حذف و تمام آنها را به نفع تمام مردم در چارچوب مدل بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری تام و متوسط و حتی ضعیف، وارد چرخه تولید کرد تا هم جریان مردم‌سالاری اقتصادی دینی در سطح ملی شکل بگیرد و هم برای تمام جوانان بیکار، اشتغال پدید ساخت با این وسیله، حلقه مردم‌سالاری اقتصادی دینی در کنار مردم‌سالاری فرهنگی، سیاسی و دفاعی دینی تکمیل شود تا کار دشمنان انقلاب اسلامی از آسیب‌رساندن به انقلاب اسلامی با مشکل جدی روبه‌رو شود.

۳. با توجه به آثار و ویژگی‌های بنگاه‌های اقتصادی مردم‌سالاری در رفع مشکل‌های اقتصادی ایران، حاکمیت اسلامی باید امکانات ملی را به سمت بنگاه‌های اقتصادی که بیشترین اثر را در رفع مشکلات اقتصادی دارند و در رفع فقر و تحقق عدالت اقتصادی کامیاب‌تر هستند، در اولویت قرار دهد.

منابع و مأخذ

۱. بکن، هنری؛ تصورات بنیانی از تعاون واقعی؛ ترجمه سازمان مرکزی تعاون کشور؛ چ ۱، تهران: سازمان مرکزی تعاون کشور، ۱۳۸۶.
۲. بوگاردوس، اموری؛ تعاون و اصول اولیه آن؛ ترجمه وزارت تعاون و امور روستاها؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون، ۱۳۵۲.
۳. تفضلی، فریدون؛ تاریخ عقاید اقتصادی (از افلاطون تا دوره معاصر)؛ چ ۲، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۴. راسل، برتراند؛ جهانی که من می‌شناسم؛ ترجمه روح‌الله عباسی؛ چ ۱، تهران: انتشارات جیبی، ۱۳۵۷.
۵. رشیدی، علی؛ «تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم‌سالار»؛ فصلنامه رفاه اجتماعی، س ۲، ش ۵، ۱۳۸۱.
۶. رشیدی، علی؛ اقتصاد مردم سالار بستر رشد جامعه مدنی؛ تهران: آوای نور، ۱۳۷۷.
۷. روزدل پالمر، رابرت؛ تاریخ جهان نو؛ ترجمه ابوالقاسم طاهری؛ تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۳.
۸. ژید، شارل و ریست، شارل؛ تاریخ عقاید اقتصادی؛ ترجمه کریم سنجابی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
۹. ژید، شارل؛ تعاونی‌های مصرف؛ ترجمه فتح‌الله بهاری؛ چ ۱، تهران: انتشارات مؤسسه آموزش و تحقیقات تعاونی، ۱۳۴۸.
۱۰. طالب، مهدی؛ اصول و اندیشه‌های تعاونی؛ چ ۱، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۱۱. طوسی، محمدعلی؛ «پیوندهای مردم سالاری و رشد اقتصادی»؛ نشریه تدبیر، ش ۳۷، ۱۳۷۲.
۱۲. فروم، اریک؛ جامعه سالم؛ ترجمه اکبر تبریزی؛ تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۸۵.
۱۳. مدنی، علی‌اکبر؛ تعاونی راهی به جامعه سالم؛ تهران: انتشارات وزارت تعاون، ۱۳۷۲.
۱۴. میرمعزی، سیدحسین؛ نظام اقتصادی اسلام، چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.

۱۵. یوسفی، احمدعلی؛ «مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، س ۱۱، ش ۴۸، ۱۳۹۲.
۱۶. _____؛ نظام اقتصادی علوی؛ چ ۱، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

17. Corcoran, Hazel & David Wilson; **The Worker Co — operative Movements in Italy**; Mondragon and France: Context, Success Factors and Lessons; Retrieved from:
http://www.canadianworker.coop/sites/canadianworker.coop/files/CWCF_Research_Paper_International_16-6_2010.
18. Kelly, G. & Massena, S 2009: "Mondragon Co - operatives Decide How to Ride out a Downturn"; **Yes! Magazine**, Retrieved from:
www.yesmagazine.org/issues/the-new-economy/mondragon-worker-cooperatives-decide-how-to-ride-out-a-downturn.
19. <http://participedia.net/en/cases/mondragon-co-operative-corporation>.
20. <http://distributistreview.com/mag/2010/06/mondragon-and-the-global-economic-meltdown/>.
21. <http://participedia.net/en/cases/mondragon-co-operative-corporation>.
22. <http://euskalkazeta.com/ek/?p=13473>.
23. http://en.wikipedia.org/wiki/Mondragon_Corporation.
24. <http://euskalkazeta.com/ek/?p=13473>.
25. <http://farsi.khamenei.ir/news-content>.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی